

بعضی انتصابات وزیر علوم خلاف دستور روحانی بود

مرداد 5، 1393

علیرضا زاکانی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات و عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس هفتم و هشتم بوده و هم‌اکنون نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی است، وی به همراه جمعی از نیروهای اصولگرا که از سال‌های قبل در کنار یکدیگر به فعالیت سیاسی در راستای آرمان‌های انقلاب پرداخته بودند، در مهرماه سال 87، جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی را به طور رسمی تاسیس کردند.



زاکانی در روزهای اخیر با هدف حضور در طرح ولایت استانی خراسان رضوی و سخنرانی در جمع بسیجیان دانشجو پیرامون مسائل روز داخلی و بین‌المللی به مدت چهار روز به مشهد مقدس سفر کرد که به بهانه حضور وی در مشهد در ارتباط با عملکرد دولت یازدهم، تعامل مجلس شورای اسلامی با دولت و آخرین وضعیت استیضاح وزیر علوم و ... با وی گفت‌وگویی داشتیم که مشروح آن را در ذیل می‌خوانید.

فارس: ضمن عرض ادب و احترام و قبولی طاعات و عبادات، در ابتدا با توجه به پیشرو بودن انتخابات مجلس دهم در ارتباط با اقدامات جمعیت رهپویان برای حضور در این انتخابات توضیحاتی ارائه بفرمایید؟

انتخابات مجلس دهم یکی از رخداد‌های سیاسی مهم کشور به‌شمار می‌رود به طوری که هر فردی از نظام که دغدغه اصول انقلاب را داشته باشد باید کار به‌هنگامی برای حضور در این انتخابات انجام دهد و پیرامون حضور در انتخابات مجلس دهم برنامه‌ریزی کند که جمعیت رهپویان نیز این موارد و دقت نظر را در برنامه‌های خود برای حضور در این عرصه سیاسی دارد.

امیدواریم برای حضور در انتخابات مجلس دهم با وحدت و اجماع بین اصولگرایان بتوانیم در مسیر و ارزش‌های انقلاب حرکت کرده و عناصر شایسته‌ای را که بتوانند گفتمان انقلاب اسلامی را در حین رقابت

انعکاس دهند وارد عرصه کنیم تا این افراد علاوه بر اینکه مورد اقبال و اعتنای مردم قرار گیرند، بعد از پیروزی نیز بتوانند اسباب کارآمدتر شدن مجلس دهم را فراهم کنند و خروجی تمام این حرکت امکان خدمتگزاری شایسته به مردم باشد.

*تصاحب کرسی‌های مجلس دهم توسط اصلاح‌طلبان گمانه‌زنی زودرس است

فارس: با روی کار آمدن دولت یازدهم و حضور پررنگ‌تر اصلاح‌طلبان در فضای سیاسی کشور پیش‌بینی می‌شود که بیشتر کرسی‌های مجلس دهم توسط اصلاح‌طلبان تصاحب شود، نظر شما در ارتباط با این موضوع چیست؟

اینکه گفته شود بیشتر کرسی‌های مجلس دهم توسط اصلاح‌طلبان به تصاحب درمی‌آید گمانه‌زنی زودرس بوده و بیشتر به منزله یک عملیات روانی برای به انفعال کشاندن رقیب است؛ در حقیقت این پیش‌بینی یک پیش‌داوری زودرس بوده که عملاً نادرستی خود را به وضوح نشان می‌دهد، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در مقابل این پیش‌داوری، موفقیت اصولگرایان در مجلس دهم به فعال شدن آن‌ها باز می‌گردد.

اینکه در آینده در مجموعه اصولگرایان چه اتفاقی می‌خواهد بیافتد و آیا همانند گذشته تشتت حاکم است یا خیر در تصاحب کرسی‌های مجلس دهم توسط اصولگرایان بسیار تاثیرگذار است، بنابراین باید توجه داشت که وحدت نظر، دقت و عبرت‌گیری از گذشته امکانی را فراهم می‌کند تا اصولگرایان با یک بازسازی و بازبینی برای مصالح کشور دور هم جمع شده و با یک تفاهم و انسجام بیشتر در انتخابات شرکت کنند؛ البته این حضور به شرایط دو سال آینده کشور نیز برمی‌گردد.

*ضرورت اجماع اصولگرایان برای تصاحب کرسی‌های مجلس دهم

اصولگرایان برای دستیابی به یک انتخابات مطلوب باید از اشکالات گذشته عبرت گرفته و با یک دقت نظر نامزدهای شایسته‌ای را به مردم معرفی کنند و مدنظر داشته باشند که برای موفقیت در این انتخابات مجموعه اصولگرایان باید با یک پیوستگی گفتمانی با متن جامعه ارتباط منطقی برقرار کنند.

فارس: به تازگی پدیده‌ای با عنوان «اصلاح‌طلبی نوین» در فضای سیاسی کشور مطرح شده که بازتاب‌های مختلفی داشته است. ارزیابی شما از مسئله چیست؟

در حال حاضر مجموعه‌ای که با شعار اعتدال اداره کشور را بر عهده

گرفته‌اند به دنبال ایجاد جریان سومی در کشور است که بر همان شعار اعتدال می‌خواهد هر دو گروه اصولگرایان و دوم خردادی‌ها را در کنار هم داشته باشد تا یک پایگاه اجتماعی جدید و مجزا از دو پایگاه گذشته را برای خود ایجاد کند.

*ایجاد جریان سوم متشکل از دو حزب سیاسی کشور با عنوان اصلاح‌طلبی‌نوین

در حقیقت این گروه تلاش می‌کنند تا جریان جدیدی را متشکل از بخشی از دو جناح کشور برای حرکت‌های سیاسی اجتماعی خود در آینده خلق کنند و بنده معتقد هستم که چشم امید زیادی به حجت‌الاسلام ناطق‌نوری و لاریجانی از جریان اصولگرایان دارند، در حقیقت این افراد به دنبال قالب جدید هستند تا مبتنی بر آن بتوانند ساماندهی اجتماعی و سیاسی جدیدی را برای خود فراهم کنند.

همان‌طور که هم‌اکنون در پیام‌های اجتماعی رئیس‌جمهور مشاهده می‌کنید، تلاش ایشان این است که از طرفی جمع دوم خردادی‌ها را در کنار خود داشته باشد و از طرفی مجموعه اصولگرایان را نیز برانگیخته نکند و با در نظر گرفتن هر دو مجموعه گسترش پیامدهای اجتماعی را در کشور داشته باشد.

فارس: مسئولان دولت انتقادی مبنی بر اینکه امکان نقد و انتقاد در دولت یازدهم بیشتر از دولت‌های گذشته مهیا شده است را مطرح می‌کنند، شما این فضا را در دولت فعلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بنده معتقدم در دولت‌های گذشته هم نقد بوده و فقط اختصاص به این دولت ندارد، فضای نقد در کشور همیشه ولو با یک فراز و نشیبی فارغ از اینکه دولت‌ها خوششان می‌آمده یا نمی‌آمده وجود داشته، برای مثال در دوران سازندگی، هاشمی رفسنجانی فضای نقد را محدود کرده بود، اما بازهم در آن زمان نقد بود اما وی علاقه نداشت که نقد شود، در این مسیر اصلاً فضای آزاد و نقد ودیعه انقلاب اسلامی است که به حمدالله بوده و هست.

دولت باید تحمل خود را در مورد نقد بیشتر کرده و آنچه به نظرم می‌آید این است که دولت باید حوصله بیشتری به خرج داده و کم تحملی دولت در فضای نقد را شاهد هستیم، بخاطر اینکه کسانی که نقد می‌کنند، بیان صریحی داشته که البته آن‌ها هم موظفند نقد منصفانه داشته و دوستداران دولت هم می‌بایست دفاع واقع بینانه داشته باشند و دفاع کور از هیچ کس قابل پذیرش نیست.

در این مسیر اگر به لوازم نقد پایبند باشیم و نقدکننده این لازم‌ها را مورد توجه قرار دهد، بزرگترین هدیه را به نقدشونده داده‌ایم و نقدشونده هم اگر سعه‌صدر و تحمل داشته باشد سبب رفع اشکالات و توسعه تفاهم اجتماعی، انسجام و دوری از چندپارگی می‌شود.

*کم تجملی دولت در انتقادپذیری / منتقدان نقد منصفانه داشته باشند

نقد از گذشته بوده و در حال حاضر هم هست و مشکل دولت مشکل کم‌تجملی بوده که اگر تحمل دولت در این حوزه بیشتر شود، شرایط بهتر شده و مشکل دیگر دولت نیز نگاه از بالا به پائین است، این ویژگی دوم دولت بوده که منتقدان خود را بسیار کوچک می‌بینند و که این عیب دوم از عیب نخست بزرگتر است.

فارس: در ارتباط با فضای نقد صحبت شد، حضرتعالی عملکرد یکساله دولت را چطور ارزیابی می‌کنید؟ و اینکه کارتهای زرد و تذکرات مجلس به وزرای دولت یازدهم نشان از عملکرد ضعیف بوده؟ این مسئله را تشریح بفرمائید؟

باید دولت ذهن خود را تصحیح کند، البته وقتی می‌گوییم دولت، منظور این نیست که همه عناصر دولت این‌گونه بوده و مقصود برخی از کسانی است که فعال بوده و تریبون دولت دستشان است، نکته سوم هم در مورد عملکرد دولت باید گفت که معتقدم باز هم قضاوت نهایی در مورد عملکرد دولت زود است اما وعده‌هایی که دولت داد و از قبل هم مشخص بود بخشی از آن شعار است، عملی نشد و در کنار آن دولت توفیقاتی هم برای مثال در زمینه ایجاد بستر برای کاهش تورم داشت.

وقتی مرور می‌کنیم در همه دولت‌ها این‌گونه است، هم کارت زرد وجود دارد، هم استیضاح و هم تذکرات، اگر حجم تذکرات دولت قبل را مشاهده کنید می‌بینید که حجم بالایی سوال و تذکر داده شده بود البته بنده معتقدم که راه درست تعامل دولت و مجلس و دقت نظر در اینکه باشد که خدای نکرده این ارتباط به یک تخاصم ختم نشود که آسیب ببیند بلکه ارتباط و تعامل با سعه‌صدر بالا ایجاد شود که هم مجلس و هم دولت به آن توجه کنند و فراتر از آن حرکت در مسیری است که هم دولت و قانون در چارچوب قانون گام بردارند و دیدگاه‌ها و انتظارات خارج از چارچوب قانون نداشته باشند.

هر کس در جایگاه خود اگر بر مبنای چارچوب قانون حرکت کند، انتظارات تعدیل شده و سبب می‌شود بخشی از اختلافات مرتفع شود. بنده

به شخصه هرگاه بخواهم سوالی از وزیر کنم قبل از سوال حتما پیرامون آن مسئله با وزیر و کارشناسان زیرمجموعه وزیر صحبت کرده و اگر وزیر به اشکالی که بنده می‌گیرم پاسخ داد دلیلی برای سوال نمی‌بینم ولی اگر پاسخ نگرفتم و یا شاهد این بودم که وزیر و کارشناسان آن برای پاسخ به سوال و رفع اشکال اقدام نکردند سوال را مطرح می‌کنم.

بنده حقیقتاً از وزرا انگشت شمار سوال می‌کنم و در طول 10 سال نمایندگی شاید در مواقع اضطراری و در حد ضرورت به طور محدود سوال کرده باشم اما سعی بر این است که سئوالاتی که می‌پرسم حتی برای آن داشته باشم تا وقتی که از وزیر می‌گیرم فرصتش طوری تلف نشود تا این دنیا خجالت‌زده انقلاب و رهبری و مردم عزیزمان باشیم و آن دنیا خجالت زده فرصت گرفته شده از وزیر باشیم.

هم باید مجلس تجدید نظر کند و هم دولت دقت بیشتری کند و دو طرف باحوصله‌تر به امور پرداخته و هر کس در جایگاه قانونی خود انتظاراتش را بیان کند.

*دلایل مجلس برای استیضاح وزیر علوم

فارس: در دولت فعلی وجود وزارتخانه‌های چالش برانگیزی نظیر وزارت علوم، ارشاد و آموزش و پرورش را شاهد هستیم و جزو نکات مهم اذعان به انتصابات سیاسی این وزارتخانه‌ها بوده، و در میان این سه وزارتخانه، وزارت علوم این روزها بحث برانگیزتر است. نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

به وزیر علوم اشکالات متعدد گرفته می‌شد و جلسات مختلفی در مجلس هم با حضور وزیر علوم گذاشته شده اما نتیجه خاصی دربر نداشته است. در دور جدید که بعد از سه یا چهار ماه موضوع استیضاح مطرح بود، امضاءکنندگان استیضاح را به همراه امضاءها تحویل هیئت رئیسه کردند، در هیئت رئیسه پس از پیگیری بنا شد جلسات مشترک با وزیر علوم گذاشته شود و جلسات مختلف با حضور فرج‌دانا و صادق مشاور رئیس‌جمهور و انصاری معاون پارلمانی و معاونت‌های وزیر برگزار شد، آنجا استیضاح‌کنندگان نکات شفاف‌تری را مطرح کردند و بیان این بود که اموری که مورد نظر هست وزیر انجام بدهد و اگر انجام داد که دلیلی برای استیضاح نبوده و اگر انجام نداد نباید انتظار داشته باشد که مجلس از قانون عقب‌نشینی کند، از حقوق مجلس عقب‌نشینی کند و از مصالح کشور عقب‌نشینی کند.

دلایلی که برای وزیر داشتند در چند دسته قابل دسته‌بندی بود که هیچ یک از این دلایل سیاسی به معنی جناحی بودن نیست، برای مثال به وزیر علوم گفته شد که روند دولت‌ها نسبت به یکدیگر تکمیلی بوده نه روند نفی و دولت‌ها وقتی روی کار می‌آیند مثل پلکانی است که انتظار رشد دارند و هر چه از قبل بوده استفاده کنند.

* به فرجی‌دانا گفتیم، مصادیق تجزیه‌طلبی در دانشگاه‌ها موجود است

به فرجی‌دانا گفته شد در این مدت فعالیت شما در دانشگاه‌ها سبب شده تمام گسل‌های قومی، مذهبی و سیاسی در داخل دانشگاه‌ها تشدید شود به طوریکه امکانی که امروز فراهم شده عده‌ای دنبال تجزیه‌طلبی هستند و مصادیق موجود است و مصوبات و مجوزهایش هم از طریق وزارت علوم و سیستم زیرمجموعه این وزارتخانه گرفته شده، انتظار این است که یا باید تجزیه‌طلبی را قبول کند یا باید احکام و قواعدی به دانشگاه‌ها منتقل کند که محصولش محکوم کردن تجزیه‌طلبی و محکوم کردن افراط‌گری باشد.

وزیر گفت مصادیقش را به من بدهید و ما گفتیم مصادیقش موجود است، اما در واقع قبول کن که این سیاست را قبول داری تا ما هم مصادیق را به شما بگوئیم که وی ابلاغیه‌ای به شکل محرمانه زد و ما گفتیم چرا محرمانه؟ اینکه ابایی نداشته و جنبه سیاسی ندارد، تجزیه طلب که مورد پذیرش هیچکس نیست، وابستگی به گروه‌های ملحد و گروه‌های مسلح که مورد پذیرش نیست.

فارس: در مورد سه هزار بورسیه و جذب عناصر فتنه در وزارتخانه و دانشگاه‌ها، وزیر علوم چه موضعی گرفتند؟

برخی از استدلال‌ها از جنس دیگری بود، در مورد معطل کردن سه هزار بورسیه و جذب عناصر ستاره‌دار را داخل دانشگاه‌ها، ما گفتیم این خلاف مسیر حکومتمداری است، به وزیر علوم گفتیم کسانی که تخلف کردند، غیرقانونی و با پارتی بازی آمده‌اند، با تشکیل کمیته‌ای شناسایی و آنان را اخراج کن اما دیگر افراد را از میان این سه هزار نفر معطل نکند.

*جذب عناصر فتنه در وزارت علوم تخلف است / دل به خواهی که نمی‌شود حکومتمداری کرد

راجع به عناصر ستاره‌دار وزارت اطلاعات قبلاً اسامی را اعلام کرده بود، فرجی‌دانا می‌گفت دوباره اسامی را اعلام کنید من بیرون می‌کنم

و ما گفتیم از ریشه، جذب عناصر فتنه در دانشگاه‌ها و وزارتخانه
تخلف بوده است.

ما گفتیم، وزیر اطلاعات همین دولت روحانی بگوید چه کسانی ستاره‌دار
نیستند، دوباره به فضای دانشگاه برگردند، ما نگاه‌مان نگاه حکومتی
و قانونی است و راضی نیستیم حقوق هیچ کس تضییع شود.

اشکال دیگر مجلسی‌ها به وزیر علوم این بود که رویه‌های خاصی را خلاف
دستور رییس‌جمهور روحانی و خلاف مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در
مورد روسای دانشگاه‌ها داشته و هیچ کسی هم بر آن نظارت نمی‌کرد،
عرض ما این بود که اگر رویه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی موجود
است باید وزیر علوم همان مسیر را پیروی کند. اگر اشتباه است
بروید شورای عالی انقلاب فرهنگی که رئیسش هم ریاست جمهوری بوده
رویه را تغییر دهید، اما به طور بی‌ضابطه و دل‌به‌خواهی که نمی‌شود
حکومت‌داری کرد.

وزارت علوم در جذب اساتید رویه دیگری دنبال می‌کرد و ما گفتیم
شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای دارد که باید همان مصوبه را
اجرا کرد یا آن را تغییر داد، نمی‌شود که به طور غیر قانونی و
سلیقه‌ای کاری کرد.

*مهلت فرجی دانا تا 16 مرداد / مجلس نمی‌تواند سکوت کند

راجع به عناصر فتنه فرجی دانا گفت من هیچ عنصر فتنه‌ای را به کار
نگرفتم و در واقع اگر کسی عنصر فتنه است بگوید تا من بیرونش کنم،
وزارت اطلاعات اسم بدهد تا من بیرون کنم. ما گفتیم قبل از اسم
دادن، باید سیاست خود را اعلام کنی، پشت در بسته که نمی‌شود اعلام
کرد، اگر قول دادی که فتنه‌گر نباشد نباید باشد، فتنه‌گر ربطی به
جناح‌های سیاسی چپ و راست ندارد، فتنه‌گر فتنه‌گر است، شما باید
بیایی سیاست ابلاغی برای دانشگاه را ابلاغ نمایید. چرا اصل سیاست
درستی که پشت درهای بسته به ما می‌گویی در بیرون اعلام نمی‌کنی.

در واقع هشت عنوانی که از سوی مجلس به فرجی دانا گفته شد کاملاً
منطقی و کاملاً قانونی و کاملاً غیرسیاسی است در حقیقت عقلانی و
قانونی بوده که باید رعایت کند، تا 16 مردادماه تکلیف مشخص
می‌شود، اگر نتیجه‌اش معلوم شود از خدایمان است که وزیر استیضاح
نشود اگر نشود دولت نباید توقع داشته باشد رویه خلاف قانون و
ضابطه و خلاف مصلحت کشور برای تجزیه طلبی دنبال شود و مجلس سکوت
کند.

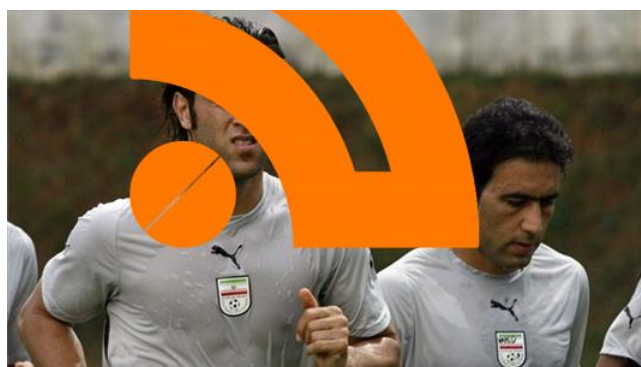
فارس: از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید سپاسگزار هستیم و برای شما توفیقات روزافزون را آرزو می‌کنیم.

بنده هم از شما و همکاران محترمتان که در جهت اطلاع‌رسانی صحیح، شفاف و منصفانه در خبرگزاری فارس تلاش می‌کنید تقدیر و تشکر می‌کنم.

گفت‌وگو از: فائزه حمزه‌ای و نجمه موسوی‌زاده

علی کریمی دستیار اول، مهدوی‌کیا سرپرست

مرداد 5، 1393



کارلوس کمرش که ماندنش در ایران تقریباً قطعی شده، این بار قصد دارد بدون مشورت با نکونام (!) علی کریمی را به عنوان دستیار ایرانی خود و مهدوی‌کیا را در نقش سرپرست تیم ملی به فدراسیون معرفی کند.



کارلوس کمرش که تقریباً با فدراسیون فوتبال برای تمدید قرارداد به توافق رسیده، در صورتی که به همکاری با تیم ملی ادامه بدهد، تغییراتی در چیدمان نیمکت تیم ملی ایجاد می‌کند.

گویا کمرش که پیش از این خواهان حذف منصب سرپرستی و معرفی یک بازیکن قدیمی فوتبال ایران به عنوان مدیر هماهنگی تیم ملی شده بود، مهدی مهدوی‌کیا را به عنوان سرپرست و علی کریمی را به عنوان

دستیار ایرانی خود به فدراسیون فوتبال معرفی کرده است.

کمیروش که از دست جواد نکونام به دلیل اتفاقات جام جهانی ۲۰۱۴ شاکی است (در جریان جام جهانی شایعه شد نکونام دو بار سر حاجصفی و گوجی فریاد کشیده و به آنها گفته به حرف کمیروش توجه نکنید و کاری که من میگویم را انجام بدهید!) این بار بدون مشورت با کاپیتان تیم ملی برای معرفی همکاران خود دست به کار شده و علی کریمی که رابطه خوبی با نکونام ندارد و مهدویکیا که البته رفیق صمیمی جواد است را به عنوان همکاران خود برگزیده است.

گفته میشود فدراسیون فوتبال موافق حضور کیا و کریمی در کادر مدیریتی و فنی تیم ملی است و حتی برخی منابع آگاه میگویند کریمی با هماهنگی کمیروش از فوتبال خداحافظی کرد تا به کادر فنی تیم ملی بپیوندد.

رهبری به تیم مذاکره کننده اعتماد کامل دارند/ بیاییم بیشتر سنگ ملت را بر سینه بزنیم

مرداد ۵، ۱۳۹۳



حسن روحانی گفت: اگر می‌خواهیم که فضای دانشگاه فضای علم و خلاقیت و نوآوری باشد باید در این فضا، احساس استقلال و آزادی وجود داشته باشد و نباید احساس فشار و محدودیتی وجود داشته باشد، البته اگر

تذکری هست باید مطرح شود.



به گزارش شمال نیوز به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در دیدار و ضیافت افطار جمعی از اساتید دانشگاه با تسلیت شهادت امیرالمومنین علی (ع) گفت: امروز روز غمناک غروب خورشید علم و دانش، عدالت، تقوی پرهیزکاری و ایثار و شجاعت است، او که پیامبر (ص) در توصیفش فرمود انا مدینه علم و علی بابها.

دکتر روحانی خاطر نشان کرد: هر کس که طالب دانش و حکمت است باید از راه و مسیر اصلیش وارد شود و امام علی (ع) باب و مسیر صحیح علم و دانش نبوی است.

رییس جمهوری در ادامه با اشاره به فرازهایی از وصیت نامه امام علی (ع) گفت: مولی علی (ع) در وصیت نامه خویش می‌فرماید به همه فرزندان و اهل بیت و هر آنکس که تا روز قیامت این پیام به او می‌رسد می‌گویم خویشتن‌دار باشد و تقوی و خویشتن داری به این معنا است که انسان کاری را بدون تامل و توجه به قانون انجام ندهد و تقوی مسئله‌ای است که کمک می‌کند تا انسان درست، دقیق، با اندیشه و با توجه به نقاط ممنوعه حرکت کرده و خویشتن‌دار باشد.

رییس جمهور در ادامه افزود: امام علی (ع) در فرازی از وصیت نامه خویش نظم و انضباط را مورد تاکید قرار می‌دهند و اینکه زندگی بدون نظم، سامان نخواهد گرفت و در این راستا دانشگاه و علم از بسترهای ایجاد نظم و انضباط در کشور است.

رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه از این نگران هستم که رکود تورمی دامن خود دانشگاه را هم گرفته باشد خاطر نشان کرد: آیا امروز دانشگاه‌های ما در عرصه خلاقیت و نوآوری احساس رکود یا در کمیت احساس تورم نمی‌کند؟

دکتر روحانی افزود: نکند دانشگاه و مراکز علمی کشورمان که یکی از وظایفشان حل رکود تورمی است خود به مسئله مبتلا شده باشد.

باید با دنیا در تعامل باشیم

رییس جمهوری تصریح کرد: امروز باید به فکر کیفیت بوده و با دنیا در تعامل باشیم و نترسیم از اینکه اگر بادی وزید همه چیز از دست خواهد رفت. باید دانست گل و درختی که در گلخانه رشد کند با اولین شرایط توفانی از بین می‌رود.

دانشگاه و دانشجو گروه مرجع هستند

روحانی با تاکید بر اعتماد به جوانان، اساتید و دانشگاه‌ها گفت: یادمان باشد که دانشگاه و دانشجو گروه مرجع هستند و نگاه جوانان و مردم به دانشگاه و اساتید است و ورود به دانشگاه قبل از اینکه شروع به کار و تحصیل باشد یک منزلت بوده و مراقب باشیم که این منزلت اجتماعی شکسته نشود.

احساس استقلال و آزادی در فضای دانشگاه

رییس جمهوری گفت: اگر می‌خواهیم که فضای دانشگاه فضای علم و خلاقیت و نوآوری باشد باید در این فضا، احساس استقلال و آزادی وجود داشته باشد و نباید احساس فشار و محدودیتی وجود داشته باشد، البته اگر تذکری هست باید مطرح شود.

دکتر روحانی گفت: باید در علم و دانش اجازه دهیم که جوانان احساس کنند که آزادانه نقادی و سخن می‌گویند و اساتید ما هم در کلاسهای خود احساس آزادی بیشتری دارند.

رییس جمهوری خاطر نشان کرد: کشور ما اسلامی است و ولایت و حکومتش هم بر مبنای علم و تفکر است و ولی فقیه آن بر کرسی‌های آزاد اندیشی تاکید دارند.

رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: باید فضا را باز بگذاریم البته بدانیم که از دانشگاه‌های ما باید فارغ التحصیلانی خارج شوند که به غیر از علم، هویت ایرانی اسلامی را هم به خوبی لمس کرده و آموخته‌اند. دانشجوی ما باید با فرهنگ گذشته خود و با فرهنگ قرآن و اسلام هم آشنا شده باشد.

دکتر روحانی افزود: امروز باید دانشگاه‌های ما مشکل جامعه و کشور را تشخیص داده و برای حل آن وارد صحنه شوند و در این زمینه هر کدام از دانشگاه‌ها می‌تواند یکی از مشکلات کشور را به نام دانشگاه خود حل و فصل کند.

رئیس جمهور در ادامه آشتی، برادری و دوستی را فراز دیگری از وصیت نامه امیرالمومنین علی (ع) دانست و با تاکید بر آن گفت: فاصله‌ها را زیاد نکنیم و اینقدر سنگ جناح را بر سینه نزنیم، بیاییم بیشتر سنگ ملت را بر سینه بزنیم.

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر همراه و همگام بودن دولت و مردم با یکدیگر گفت: این چه رسمی است که در روز رای، پای صندوق رای می‌رویم و فردی را به عنوان رئیس جمهور انتخاب کرده و سپس همه چیز تا ۴ سال دیگر فراموش می‌شود. مگر بناست که مشارکت مردم که سرمایه اجتماعی بزرگی است فقط در روز انتخابات باشد؟

دکتر روحانی تصریح کرد: هر برگ رای به مانند یک بذر است. اگر بذری در زمینی پاشیده شد مراقبت و مواظبت می‌شود تا به محصول تبدیل شود. فکر می‌کنیم که دولت مسئول حل معضلات جامعه است، در حالی که دولت با مردم و در کنار مردم و دست به دست هم باید این مشکلات را حل کند.

رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه دولت به همه قولهایی که به مردم داده بود وفادار خواهد بود و مردم هم تا پایان به حضور، نظارت و حمایت خود وفادار خواهند بود، اظهار داشت: همه بدانند با تعامل، تدبیر، توکل و امید همه موانع داخلی و خارجی را از پیش پا برخواهیم داشت.

دکتر روحانی در بخش دیگری از اظهارات خود به مذاکرات هسته‌ای اشاره کرد و گفت: لازم می‌دانم از فرزندان انقلاب که پرورش یافته دانشگاه‌ها هستند و در مذاکرات ۱۷ روزه با همه قامت و قدرت نه تنها در برابر ۱+۵ بلکه همه قدرتهای منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای به مانند تیمی مقتدر عالم و آگاه از حقوق هسته‌ای کشورمان دفاع کرده‌اند، تشکر کنم.

وی افزود در مذاکرات هسته‌ای حقوق سیاست اقتصاد و مسول فنی در کنار هم قرار دارد و تیم مذاکره کننده را گروهی اقتصادی، حقوقی و فنی پشتیبانی می‌کند.

رئیس جمهوری تصریح کرد: اگر گروه مذاکره کننده کشورمان بداند که یک ملتی پشتوانه آنها است و نظارت و حمایت می‌کند، مصمم‌تر به راه خود ادامه خواهد داد و خوشحالیم بار سنگین مذاکرات را بر دوش گرفته‌ایم و رهبری معظم انقلاب هم از آن حمایت و آن را هدایت

می‌کنند و هم به تیم مذاکره کننده اعتماد کامل دارند.

رییس جمهوری با قدردانی از تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان اظهار امیدواری کرد با حمایت مردم و با بهره‌گیری از علم و دانش و بر مبنای اقدامات عالمانه و عاقلانه در این مسیر موفق باشند.

رییس جمهوری گفت: دانشگاه در عرصه عقل و علم رسالت بزرگی بر دوش دارد و بر این مبنای می‌توانیم بر همه مشکلات غلبه کنیم.

دکتر نسرین معظمی از اساتید حوزه علوم پایه که اولین سخنران دیدار اعضای هیات علمی با رییس جمهوری بود، با اشاره به پدیده‌هایی نظیر تغییرات آب‌وهوا، گرم شدن کره زمین، توسعه جمعیت، کاهش انرژی و کمبود آب، به روند جهانی برای عبور از اقتصاد وابسته به منابع فسیلی و حرکت به سمت تکنولوژی‌های دانش‌بنیان پرداخت و گفت: ایران نمی‌تواند از این برنامه و روند جهانی، مستثنی باشد.

دکتر یوسف ثبوتی، دیگر استاد سخنران در این مراسم، با انتقاد از آنچه تحت عنوان «بیراهه رفتن در برداشت از قانون» نام می‌برد، گفت: قانون بجای آنکه یک راهنما برای تسهیل و تنظیم امور باشد، وجه غالبش به وجه نظارتی، حراستی، حسابرسی، حساب‌کشی، جریمه کردن و مجرم پیدا کردن تبدیل شده است.

وی افزود: افرادی که مدام کنترل می‌شوند و ناظر بالاسری دارند، سلحشور و مبدع و مبتکر بار نمی‌آیند.

دکتر محمود سریع‌القلم استاد دانشگاه شهید بهشتی نیز با طرح این پرسش که «درخت علت و معلولی ایران را چگونه باید ترسیم کرد؟» گفت: باید تعیین کنیم مشکلات یک، دو و سه ایران کدامند. غیر منطقی است که ۳۰ اولویت همسطح را تعیین کنیم و طبیعی است نمی‌توان از یک سخنرانی به سخنرانی دیگر مسئله اولویت یک ایران را تغییر داد. در سایه هرج و مرج اولویت‌ها پیشرفت حاصل نمی‌شود.

سریع‌القلم در بیان نظر خود درباره نخستین مشکل گفت: ایران در مدارها و دوائر بین‌المللی حضور ندارد، تعامل ندارد و رقابتی هم ندارد. در صورتی که صنعت، سلامتی اداری و مالی، بخش خصوصی، جاده‌ها، کیفیت مدیران، عملکرد سه قوه و همچنین دانشگاه‌های کشور با حضور ایران در مدارها و دوائر بین‌المللی اصلاح خواهد شد و این راه را به عنوان کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و مهمترین راه در جهت

پیشرفت کشورمان نام برد.

دکترسید جلال دهقانی فیروزآبادی نیز با اشاره به اینکه وضعیت علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بعد از انقلاب اسلامی توسعه بسیار پیدا کرده و شاهد تربیت نسل‌های دوم و سوم از علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در کشور هستیم، گفت: متأسفانه وضعیت علوم سیاسی و علوم انسانی بیشتر ماهیت ترویجی دارد تا تولید فکر! و این نقد به خودمان وارد است که شاهد اخلاق علمی شایسته و رعایت حقوق معنوی در جامعه علمی نیستیم.

دکتر رضا ملک زاده نیز با قدردانی از رئیس‌جمهور کشورمان بخاطر انتخاب عنوان «تدبیر و امید» و اتخاذ «اعتدال» و مشی فروتنی در برابر ملت ایران، گفت: اینها همه از نشانه‌های اسلام ناب محمدی است و رئیس‌جمهوری نیز در عمل پایبندی خود را به آن نشان داده است.

وی تداوم و پشتیبانی از طرح تحول سلامت و واگذاری بیمه‌های سلامت به وزارت بهداشت را آغازی برای استقرار نظام سلامت در دسترس همه ملت دانست و در ادامه خواستار حمایت و مساعدت دولت و رئیس‌جمهوری از بخش علم و فناوری در بودجه سال آینده و در برنامه ششم توسعه شد.

دکتر محمود نیلی احمدآبادی، سرپرست دانشگاه تهران نیز با بیان اینکه فضای فعلی دانشگاه‌ها فضایی آرام، امیدوار، با طراوت و شاداب است، گفت: دانشگاه‌ها با نشاطی مضاعف در صدد تحقق سیاست‌های نظام هستند.

سرپرست دانشگاه تهران با بیان اینکه در آستانه یک جهش در حوزه علم و فناوری در کشور هستیم، خاطرنشان کرد: آنچه امروز دانشگاه‌ها دنبال آن هستند، ارتقای کمی و کیفی تولید علم هدفمند است.

نیلی همچنین با تاکید بر تمرکززدایی، واگذاری اختیارات به دانشگاه‌ها و تقویت اداره دانشگاه‌ها به شیوه هیات امنایی را از سیاست‌های جاری آموزش عالی کشور نام برد و تاکید کرد که سیاست‌ها باید متناسب با دانشگاه کارآفرین و خلاق، توسعه رشته‌های بین‌رشته‌ای، همگرایی در موضوع پایان‌نامه‌ها و توسعه همکاری‌های گروهی باشد.

کشاورزی و دامداری چهاردانگه در معرض خطر است

مرداد 5، 1393

امروز عزادار مصیبت ملت مسلمان غزه

مرداد 5، 1393



حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی در جمع مردم قزوین گفت: مظلومیت امیر المؤمنین برای تاریخ یک درس است و گویا خداوند این حوادث را رقم زده تا انسان ها ببینند اینگونه ظلم ها همیشه تاریخ بر افراد رفته است، اما نام مبارک علی(ع) است که همواره در جان ها باقی می ماند.

به گزارش انتخاب، حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی در دیدار با مردم قزوین در حرم مطهر امام خمینی(س) با اشاره به روایات فراوان اهل سنت درباره امیر المؤمنین امام علی(ع)، اظهار کرد: امروز که این روایات را در کتب اهل سنت درباره امیر المؤمنین مرور می کردم، عظمت این روایات را بسیار بیشتر از آنچه که قبلا تصور می کردم دیدم.

وی در ادامه به مرور برخی از روایات اهل سنت درباره حضرت علی(ع) پرداخت و گفت: یکی از کتاب های روایی اهل سنت که روایات عجیبی از امیر المؤمنین در آن نقل شده، «کنز العمال» است. در این کتاب روایتی از زبان پیامبر نقل شده است که ایشان درباره حضرت علی(ع) می فرمایند: «حب علی يأكل الذنوب كما تأكل النار الحطب» یعنی کسی که محبت علی را داشته باشد، این محبت گناهان او را همان گونه که آتش چوب را از بین می برد، می خورد. یا از ایشان نقل می کنند «عنوان صحیفه المؤمن يوم القيامة حب علی ابن ابی طالب» یعنی بر بالای کارنامه عمل مؤمن در روز قیامت محبت علی(ع) نوشته شده است.

سید حسن خمینی افزود: روایت دیگری از پیامبر وجود دارد که در آن می فرمایند اگر مؤمنی، علی را دوست داشته باشد و پایش بلغزد، خداوند در روز قیامت قدم او را روی پل صراط مستحکم می کند و نمی گذارد پایش بلغزد. در روایت دیگری پیامبر(ص) خطاب به امیر المؤمنین علی(ع) می فرمایند: «لا یحبک الا مؤمن و لا یبغضک الا منافق» یعنی کسی جز مؤمن تو را دوست ندارد و کسی جز منافق نسبت به تو بغض ندارد.

یادگار امام در ادامه به برخی دیگر از روایات اهل سنت اشاره کرد که در آن ها همان تعبیر به کار رفته درباره حضرت فاطمه(س) و امام حسین(ع) در روایات شیعیان، درباره امیرالمؤمنین به کار رفته است و افزود: یکی دیگر از بزرگان اهل سنت به نام «ابن ماجه» که کتاب او به نام «سنن ابن ماجه» یکی از کتاب های معروف روایی اهل سنت است، تعبیری درباره امیر المؤمنین دارد که ما در روایات شیعیان آن را درباره سید الشهداء دیده ایم. در این روایت پیامبر اکرم (ص) می فرمایند «علی منی و انا منه» یا روایتی که ما درباره حضرت فاطمه صدیقه(س) داریم؛ «فاطمه بضعة منی، من آذاها فقد آذانی» را از زبان پیامبر درباره امیر المؤمنین به این شکل به کار برده اند: «من آذی علیا فقد آذانی»

وی افزود: روایت دیگری در کنز العمال وجود دارد که مطابق با آن پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «علی منی بمنزلة رأسی من بدنی» به این معنی که علی نسبت به من مثل سر من به بدنم است. در این روایت منظور از «من» شخص پیامبر نیست، بلکه دین و آیین پیامبر را نیز شامل می شود. حضرت علی(ع) به منزله سر این مکتب است و جالب اینکه این روایت را اهل سنت مطرح کرده اند. باز در کنز العمال از زبان پیامبر(ص) نقل شده است که «ان علی لحمه من لحمی و دمه من دمی» یعنی گوشت علی از گوشت من و خون او از خون من است.

سید حسن خمینی در ادامه با اشاره به یکی از معتبرترین کتب تاریخی اهل سنت به نام «تاریخ دمشق» نوشته «ابن عساکر» گفت: این عالم اهل سنت در کتاب تاریخ مدینه دمشق می گوید «یا علی انت منی و انا منک» در این روایت پیامبر(ص) خطاب به امیر المؤمنین می فرمایند تو از منی و من از تو هستم. این تعبیر که «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی» به این معنی که ای علی تو برای من مانند هارون برای موسی هستی به اندازه ای در ادبیات اهل سنت به کار برده شده که گویی متواتر است. پرانتزی باز می کنم تا ببینید که بغض با برخی افراد چه می کند. برخی از اهل سنت معادل همین روایت را جعل کردند و به جای هارون نوشتند قارون.

یادگار امام در تبیین منزلت امیر المؤمنین علی(ع) در روایات اهل سنت به روایتی دیگر در کتاب تاریخ دمشق اشاره کرد و گفت: پیامبر در روایتی که ابن عساکر آن را در کتاب خود نقل کرده است می فرماید: هرکس خواست به علم آدم، فهم نوح، حلم و صبر ابراهیم، زهد زکریا و استقامت و پایمردی موسی را ببیند، به علی(ع) نگاه کند. اهل سنت همچنین روایتی از حضرت علی(ع) را نقل می کنند که ایشان ذیل آیه «انما انت منذر و لكل قوم هاد» بیان کرده اند. حضرت علی(ع) می فرمایند: «رسول الله المنذر و انا الهادی» ایشان رسول خدا(ص) را هشدار دهنده و خود را هدایت کننده می داند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود مولا علی(ع) را درس آموز مظلومیت دانست و اظهار کرد: امیر المؤمنین در موارد زیادی مظلومیت خود را اعلام کرده است. برای مثال معاویه برای ایشان نامه ای نوشته بود به این شرح که «به یاد داری که ریسمان به گردنت انداختند و همان گونه که شتر را می کشند، تو را در کوچه ها کشاندند» ابن ابی الحدید که از علمای اهل سنت است، به نقل نامه ای از امیر المؤمنین خطاب به معاویه می پردازد که ایشان در آن می فرمایند: «قسم به خدا می خواستی بدی ام را بگویی اما مدحم کردی، می خواستی من را مفتضح کنی اما خودت مفتضح شدی. مسلمان اگر مظلوم باشد بر او عیب نیست، مادامی که در دین خود شک نکند.»

سید حسن خمینی در ادامه مظلومیت مولا علی(ع) را ارث شیعه او دانست و گفت: امروز مسلمانان در عراق، سوریه و فلسطین مظلومیت های فراوانی را تحمل می کنند. جا دارد امروز عزادار مصیبت ملت مسلمان غزه را در برابر دشمنان صهیونیستی باشیم، البته جامعه جهانی تنها نظاره گر این واقعه تلخ است.

یادگار امام درباره مظلومیت امام خمینی(س) اظهار کرد: روزی که امام مبارزات خود را آغاز کرد، بیشترین لطمه را نه از دشمنان ستم شاهی که از افراد سست عنصر خورد. «زین همراهان سست عناصر دلم گرفت/ شیر خدا و رستم دستانم آرزوست» برخی همراهان امام وارد مبارزه نشدند، اما وقتی انقلاب پیروز شد و نهضت امام مورد اقبال عمومی در جهان قرار گرفت بر سر سفره انقلاب نشستند؛ همان کسانی که تا دیروز یا خنجر می زدند، یا دشنام می دادند و یا سکوت می کردند؛ بر سر سفره انقلاب نشستند؛ امام بزرگوارمان زمانی که به یمن استمداد از پیامبر(ص) و اهل بیت(علیهم السلام) مبارزه را آغاز کرد، جز خدا به کسی اتکا نداشت.

وی درباره دلزدگی امیرالمؤمنین از همراهان سست عناصر گفت: در روایات شیعه و سنی از زبان امیر المؤمنین علی(ع) نقل شده است که قریشی ها یا همان همراهان سست عناصر به من خیانت کردند. آنها نسبت من با رسول خدا(ص) را می دانستند اما حق من را ادا نکردند. مظلومیت امیر المؤمنین برای تاریخ یک درس است و گویی خداوند این حوادث را رقم زده تا انسان ها ببینند اینگونه ظلم ها همیشه تاریخ بر افراد رفته است، اما نام مبارک علی است که همواره در جان ها باقی می ماند. اهل سنت این تعبیر را درباره امیر المؤمنین به کار برده اند که «علی مع الحق و الحق مع علی يدور حیثما دار» یعنی علی(ع) هر جا برود حق با اوست.

سید حسن خمینی در پایان اظهار کرد: مظلومیت امیر المؤمنین تا آنجا بود که وقتی در کوفه او را به شهادت رساندند، فضای تبلیغاتی را به گونه ای شکل داده بودند که مردم از خود می پرسیدند مگر علی نماز هم می خوانده است؟ خدا را به حق اولیائش قسم می دهیم ما را قردان نعمت ولایت امیر المؤمنین قرار دهد. خداوند آنها که نان انقلاب امام را خوردند و خیانت کردند را، به راه راست هدایت کند.

گفتنی است این مراسم با حضور آیت الله موسوی بجنوردی؛ آیت الله محمدی تاکندی؛ مرتضی روزبه استاندار قزوین؛ حجت الاسلام و المسلمین علیخانی و جمعی از علما، مدیران و مردم استان قزوین برگزار شد.

آمریکا از داعش چه می‌خواهد

مرداد 5، 1393

سیاست های اصلی کاخ سفید در مورد خاورمیانه، در قالب طرح خاورمیانه بزرگ و جدید تجلی می یابد. در چهارچوب این بسته سیاستی، آمریکا به دنبال ایجاد کشورهای همسو با ارزشها و سیاست های خود و سازگار با وجود اسرائیل در منطقه است. از موانع اصلی تحقق سیاست خاورمیانه ای آمریکا، وجود کشورهای قدرتمند، مستقل و با ساختار ارزشی و هویتی متمایز با غرب در منطقه است. لذا تبدیل این جوامع به واحدهای همسو و جغرافیای سیاسی محدود، از ضرورت ها و بایسته های رفع این مانع است. در کنار این مهم، تضعیف و در نهایت فروپاشی ائتلاف یا محور مستقل و ضد آمریکایی در منطقه، یعنی محور مقاومت، بایسته و ضرورتی دیگر، در راه ایجاد خاورمیانه جدید است.



بنابراین آمریکا برای عملیاتی کردن بسته سیاستی خود در خاورمیانه، باید اولاً فروپاشی ائتلاف مقابل خود، یعنی محور مقاومت را به سرانجام برساند، ثانیاً بتواند جغرافیای سیاسی منطقه را به سمت تكثر بیشتر و وابستگی به خود سوق دهد.

در ابتدا تصور و تحلیل دولتمردان آمریکا این بود که برای اجرایی کردن این طرح، خود باید به صورت مستقیم در منطقه حضور یافته و عملیات اجرایی طرح را خود به پیش ببرند، اما مشکلات پیش آمده برای آنان در افغانستان و به خصوص عراق و به تبع آن ناکامی در اجرایی کردن این سیاست، موجب تجدید نظر آنان در این امر شد. آمریکا می تواند پس از شکل گیری کابینه ای ضعیف، حاکمیت سیاسی را به پذیرش ایجاد تغییرات در قانون اساسی و ساختار قدرت عراق، به نفع جریان تکفیری، وادارد و خواسته ها و وجود آنان را در عرصه عراق، نهادینه کرده و مشروعیت بخشد.

لذا آمریکایی ها به این جمع بندی رسیدند که آن ها خود نباید به صورت مستقیم درگیر اجرای این سیاست شوند و باید به فکر پیدا کردن عناصر نیابتی در منطقه، برای اجرایی کردن این پروژه باشند.

از آن جا که هیچ یک از کشورهای منطقه، پتانسیل و تفوق منطقه ای و هم چنین اراده لازم برای این امر را نداشت، آمریکایی ها به دنبال

بازیگر یا بازیگرانی دیگر بودند تا به وسیله آن، سیاست خاورمیانه ای خود را محقق کنند.

بنابراین به کارگیری بازیگرانی غیر دولتی همچون گروه های دینی افراطی، می توانست ابزاری مناسب برای پر کردن این خلاء باشد. لذا آمریکایی ها پس از خروج از عراق، به صورت جدی به فکر سازماندهی و هدایت گروه های افراط گرای مذهبی در خاورمیانه افتادند.

اولین استفاده کلان و علنی از این گروه ها برای به پیش بردن پروژه خاورمیانه ای آمریکا، هدایت و سازماندهی آن ها برای حمله به یکی از کشورهای مقتدر و البته عضو محور مقاومت، یعنی سوریه بود. که با هدف تجزیه این کشور و یا حداقل تضعیف یکی از اعضای محور مقاومت صورت گرفت، که البته هدف دوم تا حد زیادی محقق شد.

تجربه حمله به سوریه به نیابت از آمریکا، توسط این گروه ها، به عنوان تجربه اول در استفاده از گروه های غیر دولتی جهت اجرای بسته سیاستی خاورمیانه، به مذاق آمریکایی ها خوش آمد و آن ها را به ادامه این سیاست جهت پیش بردن پروژه خود امیدوار کرد. بنابراین، به کارگیری این تجربه و آزمایش آن در سرزمینی دیگر یعنی عراق، که عضو محور مقاومت بود، برای آمریکایی ها جذاب می نمود.

به طور مشخص می توان گفت آمریکایی ها به وسیله داعش، به دنبال پیاده کردن اهداف خود طی چند مرحله پیاپی و مرتبط به هم در عراق، به عنوان یکی از حلقه های محور مقاومت و یکی از واحدهای اصلی سیاسی در خاورمیانه، هستند.

آن ها در درجه اول به دنبال آنند تا با بزرگ جلوه دادن خطر داعش و فشار بر دولت مالکی و به طور خاص شیعیان، زمینه تشکیل دولتی ضعیف و همراه با خود را فراهم آورند (دولتی خارج از فرآیند دموکراتیک و نظر مردم عراق که در انتخابات اخیر تجلی کرد). این امر می تواند از طریق تلاش برای تشکیل دولتی توافقی و با حضور هرچه بیشتر سنی ها در دولت باشد، تا یک دولت غیر منسجم و چند تیکه به جای یک دولت یکپارچه با محوریت اکثریت شیعیان تشکیل شود.

بنابراین هدف اول آمریکا در بحران اخیر عراق، تشکیل یک دولت غیر منسجم، چندپاره و با حضور هرچه بیشتر اهل تسنن است. آمریکا از این طریق می خواهد تا اراده سیاسی لازم در دولت عراق را، که اکنون در دولت کنونی شاهد آنیم، برای مبارزه جدی با داعش از بین ببرد.

پس از شکل گیری یک دولت چندپاره و غیر منسجم در عراق، می توان اراده سیاسی دولت مرکزی عراق را به سمت پذیرش بخشی از خواسته های جریان تکفیری سوق داد. این امر، یعنی وادار کردن دولت مرکزی به پذیرش بخشی از خواسته های جریان تکفیری، در صورت حضور قابل توجه اهل سنت در کابینه و سنگین بودن وزنه آن ها، و هم چنین با توجه به وجود تمایل نسبی جریانات اهل سنت برای دادن امتیاز به جریان تکفیری، چندان برای آمریکا مشکل نخواهد بود.

لذا آمریکا می تواند پس از شکل گیری چنین کابینه ای، حاکمیت سیاسی را به پذیرش ایجاد تغییرات در قانون اساسی و ساختار قدرت عراق، به نفع جریان تکفیری، وادارد و در واقع خواسته ها و وجود جریان تکفیری در عرصه عراق را نهادینه کرده و مشروعیت بخشد. پس از آن، این جریان می تواند در مناطق تحت تصرف حضور داشته و این حضور آنان از سوی دولت مرکزی به رسمیت شناخته شده و به یکی از بازیگران عرصه سیاسی عراق بدل شوند.

در صورت ایجاد چنین روندی، از یکسو دولت مرکزی عراق بیش از پیش تضعیف شده، چرا که علاوه بر کردستان، بر بخش از مناطق سنی نشین هم تسلطی نخواهد داشت، و از طرف دیگر، زمینه و ابزار لازم برای کنترل و فشار بیشتر بر دولت مرکزی عراق توسط آمریکا، جهت فاصله گرفتن از محور مقاومت و همراهی بیشتر با غرب در منطقه، فراهم می شود.

اما هدف و سناریوی خطرناک تری که فراتر از این مرحله، می تواند مدنظر آمریکا برای عراق باشد، کلید زدن تجزیه عراق است. نگارنده براین اعتقاد است در صورتی که تحقق مراحل قبلی که ذکر شد، نتواند اهداف آمریکا در عراق و خاورمیانه را تامین کند، آمریکا پس از طی مراحل ذکر شده در بالا، و پس از تثبیت حضور و وجود جریان تکفیری در عراق، مقدمات تجزیه عراق به سه واحد شیعه، سنی و کرد را کلید خواهد زد.

هدف اول آمریکا در بحران اخیر عراق، تشکیل یک دولت غیر منسجم، چندپاره و با حضور هرچه بیشتر اهل تسنن است. آمریکا از این طریق می خواهد تا اراده سیاسی لازم در دولت عراق را، که اکنون در دولت کنونی شاهد آنیم، برای مبارزه جدی با داعش از بین ببرد.

نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد آن است که تجزیه عراق، تابع تحقق سه پیش درآمد تجزیه، یعنی شکل گیری دولتی ضعیف و چندپاره در عراق، تثبیت و رسمیت حضور تروریست ها در جغرافیای عراق و عدم مخالفت جدی قدرت های تاثیر گذار منطقه ای، به ویژه ایران و ترکیه

می باشد.

به نظر می رسد اکنون هدف اصلی آمریکا در عراق، پس از تشکیل کابینه ایی ضعیف و همراه با خود، تثبیت حضور تروریست ها و رسمیت بخشیدن به وجود آنان در جغرافیای سیاسی عراق است و آنها هنوز در مورد تجزیه عراق به جمع بندی و تصمیم نهایی نرسیده اند (هرچند که این تصمیم در میان بخش زیادی از سیاسیون آمریکایی حاصل شده است) و در حال سنجش و رصد تحولات داخلی عراق و به خصوص رفتار و واکنش قدرت های منطقه ای از جمله ایران هست

سیاست های اصلی کاخ سفید در مورد خاورمیانه، در قالب طرح خاورمیانه بزرگ و جدید تجلی می یابد. در چهارچوب این بسته سیاستی، آمریکا به دنبال ایجاد کشورهای همسو با ارزشها و سیاست های خود و سازگار با وجود اسرائیل در منطقه است. از موانع اصلی تحقق سیاست خاورمیانه ای آمریکا، وجود کشورهای قدرتمند، مستقل و با ساختار ارزشی و هویتی متمایز با غرب در منطقه است. لذا تبدیل این جوامع به واحدهای همسو و جغرافیای سیاسی محدود، از ضرورت ها و بایسته های رفع این مانع است. در کنار این مهم، تضعیف و در نهایت فروپاشی ائتلاف یا محور مستقل و ضد آمریکایی در منطقه، یعنی محور مقاومت، بایسته و ضرورتی دیگر، در راه ایجاد خاورمیانه جدید است.

بنابراین آمریکا برای عملیاتی کردن بسته سیاستی خود در خاورمیانه، باید اولاً فروپاشی ائتلاف مقابل خود، یعنی محور مقاومت را به سرانجام برساند، ثانیاً بتواند جغرافیای سیاسی منطقه را به سمت تكثر بیشتر و وابستگی به خود سوق دهد.

در ابتدا تصور و تحلیل دولتمردان آمریکا این بود که برای اجرایی کردن این طرح، خود باید به صورت مستقیم در منطقه حضور یافته و عملیات اجرایی طرح را خود به پیش ببرند، اما مشکلات پیش آمده برای آنان در افغانستان و به خصوص عراق و به تبع آن ناکامی در اجرایی کردن این سیاست، موجب تجدید نظر آنان در این امر شد.

آمریکا می تواند پس از شکل گیری کابینه ای ضعیف، حاکمیت سیاسی را به پذیرش ایجاد تغییرات در قانون اساسی و ساختار قدرت عراق، به نفع جریان تکفیری، وادارد و خواسته ها و وجود آنان را در عرصه عراق، نهادینه کرده و مشروعیت بخشد.

لذا آمریکایی ها به این جمع بندی رسیدند که آن ها خود نباید به

صورت مستقیم درگیر اجرای این سیاست شوند و باید به فکر پیدا کردن عناصر نیابتی در منطقه، برای اجرایی کردن این پروژه باشند.

از آن جا که هیچ یک از کشورهای منطقه، پتانسیل و تفوق منطقه ای و هم چنین اراده لازم برای این امر را نداشت، آمریکایی ها به دنبال بازیگر یا بازیگرانی دیگر بودند تا به وسیله آن، سیاست خاورمیانه ای خود را محقق کنند.

بنابراین به کارگیری بازیگرانی غیر دولتی همچون گروه های دینی افراطی، می توانست ابزاری مناسب برای پر کردن این خلاء باشد. لذا آمریکایی ها پس از خروج از عراق، به صورت جدی به فکر سازماندهی و هدایت گروه های افراط گرای مذهبی در خاورمیانه افتادند.

اولین استفاده کلان و علنی از این گروه ها برای به پیش بردن پروژه خاورمیانه ای آمریکا، هدایت و سازماندهی آن ها برای حمله به یکی از کشورهای مقتدر و البته عضو محور مقاومت، یعنی سوریه بود. که با هدف تجزیه این کشور و یا حداقل تضعیف یکی از اعضای محور مقاومت صورت گرفت، که البته هدف دوم تا حد زیادی محقق شد.

تجربه حمله به سوریه به نیابت از آمریکا، توسط این گروه ها، به عنوان تجربه اول در استفاده از گروه های غیر دولتی جهت اجرای بسته سیاستی خاورمیانه، به مذاق آمریکایی ها خوش آمد و آن ها را به ادامه این سیاست جهت پیش بردن پروژه خود امیدوار کرد. بنابراین، به کارگیری این تجربه و آزمایش آن در سرزمینی دیگر یعنی عراق، که عضو محور مقاومت بود، برای آمریکایی ها جذاب می نمود.

به طور مشخص می توان گفت آمریکایی ها به وسیله داعش، به دنبال پیاده کردن اهداف خود طی چند مرحله پیاپی و مرتبط به هم در عراق، به عنوان یکی از حلقه های محور مقاومت و یکی از واحدهای اصلی سیاسی در خاورمیانه، هستند.

آن ها در درجه اول به دنبال آنند تا با بزرگ جلوه دادن خطر داعش و فشار بر دولت مالکی و به طور خاص شیعیان، زمینه تشکیل دولتی ضعیف و همراه با خود را فراهم آورند (دولتی خارج از فرآیند دموکراتیک و نظر مردم عراق که در انتخابات اخیر تجلی کرد). این امر می تواند از طریق تلاش برای تشکیل دولتی توافقی و با حضور هرچه بیشتر سنی ها در دولت باشد، تا یک دولت غیر منسجم و چند تیکه به جای یک دولت یکپارچه با محوریت اکثریت شیعیان تشکیل شود.

بنا بر این هدف اول آمریکا در بحران اخیر عراق، تشکیل یک دولت غیر منسجم، چندپاره و با حضور هرچه بیشتر اهل تسنن است. آمریکا از این طریق می خواهد تا اراده سیاسی لازم در دولت عراق را، که اکنون در دولت کنونی شاهد آنیم، برای مبارزه جدی با داعش از بین ببرد.

پس از شکل گیری یک دولت چندپاره و غیر منسجم در عراق، می توان اراده سیاسی دولت مرکزی عراق را به سمت پذیرش بخشی از خواسته های جریان تکفیری سوق داد. این امر، یعنی وادار کردن دولت مرکزی به پذیرش بخشی از خواسته های جریان تکفیری، در صورت حضور قابل توجه اهل سنت در کابینه و سنگین بودن وزنه آن ها، و هم چنین با توجه به وجود تمایل نسبی جریانات اهل سنت برای دادن امتیاز به جریان تکفیری، چندان برای آمریکا مشکل نخواهد بود.

لذا آمریکا می تواند پس از شکل گیری چنین کابینه ای، حاکمیت سیاسی را به پذیرش ایجاد تغییرات در قانون اساسی و ساختار قدرت عراق، به نفع جریان تکفیری، وادارد و در واقع خواسته ها و وجود جریان تکفیری در عرصه عراق را نهادینه کرده و مشروعیت بخشد. پس از آن، این جریان می تواند در مناطق تحت تصرف حضور داشته و این حضور آنان از سوی دولت مرکزی به رسمیت شناخته شده و به یکی از بازیگران عرصه سیاسی عراق بدل شوند.

در صورت ایجاد چنین روندی، از یکسو دولت مرکزی عراق بیش از پیش تضعیف شده، چرا که علاوه بر کردستان، بر بخش از مناطق سنی نشین هم تسلطی نخواهد داشت، و از طرف دیگر، زمینه و ابزار لازم برای کنترل و فشار بیشتر بر دولت مرکزی عراق توسط آمریکا، جهت فاصله گرفتن از محور مقاومت و همراهی بیشتر با غرب در منطقه، فراهم می شود.

اما هدف و سناریوی خطرناک تری که فراتر از این مرحله، می تواند مدنظر آمریکا برای عراق باشد، کلید زدن تجزیه عراق است. نگارنده بر این اعتقاد است در صورتی که تحقق مراحل قبلی که ذکر شد، نتواند اهداف آمریکا در عراق و خاورمیانه را تامین کند، آمریکا پس از طی مراحل ذکر شده در بالا، و پس از تثبیت حضور و وجود جریان تکفیری در عراق، مقدمات تجزیه عراق به سه واحد شیعه، سنی و کرد را کلید خواهد زد.

هدف اول آمریکا در بحران اخیر عراق، تشکیل یک دولت غیر منسجم، چندپاره و با حضور هرچه بیشتر اهل تسنن است. آمریکا از این طریق می خواهد تا اراده سیاسی لازم در دولت عراق را، که اکنون در دولت کنونی شاهد آنیم، برای مبارزه جدی با داعش از بین ببرد.

نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد آن است که تجزیه عراق، تابع تحقق سه پیش درآمد تجزیه، یعنی شکل گیری دولتی ضعیف و چندپاره در عراق، تثبیت و رسمیت حضور تروریست ها در جغرافیای عراق و عدم مخالفت جدی قدرت های تاثیر گذار منطقه ای، به ویژه ایران و ترکیه می باشد.

به نظر می رسد اکنون هدف اصلی آمریکا در عراق، پس از تشکیل کابینه ای ضعیف و همراه با خود، تثبیت حضور تروریست ها و رسمیت بخشیدن به وجود آنان در جغرافیای سیاسی عراق است و آنها هنوز در مورد تجزیه عراق به جمع بندی و تصمیم نهایی نرسیده اند (هرچند که این تصمیم در میان بخش زیادی از سیاسیون آمریکایی حاصل شده است) و در حال سنجش و رصد تحولات داخلی عراق و به خصوص رفتار و واکنش قدرت های منطقه ای از جمله ایران هستسیاست های اصلی کاخ سفید در مورد خاورمیانه، در قالب طرح خاورمیانه بزرگ و جدید تجلی می یابد. در چهارچوب این بسته سیاستی، آمریکا به دنبال ایجاد کشورهای همسو با ارزشها و سیاست های خود و سازگار با وجود اسرائیل در منطقه است. از موانع اصلی تحقق سیاست خاورمیانه ای آمریکا، وجود کشورهای قدرتمند، مستقل و با ساختار ارزشی و هویتی متمایز با غرب در منطقه است. لذا تبدیل این جوامع به واحدهای همسو و جغرافیای سیاسی محدود، از ضرورت ها و بایسته های رفع این مانع است. در کنار این مهم، تضعیف و در نهایت فروپاشی ائتلاف یا محور مستقل و ضد آمریکایی در منطقه، یعنی محور مقاومت، بایسته و ضرورتی دیگر، در راه ایجاد خاورمیانه جدید است.

بنابراین آمریکا برای عملیاتی کردن بسته سیاستی خود در خاورمیانه، باید اولاً فروپاشی ائتلاف مقابل خود، یعنی محور مقاومت را به سرانجام برساند، ثانیاً بتواند جغرافیای سیاسی منطقه را به سمت تكثر بیشتر و وابستگی به خود سوق دهد.

در ابتدا تصور و تحلیل دولتمردان آمریکا این بود که برای اجرایی کردن این طرح، خود باید به صورت مستقیم در منطقه حضور یافته و عملیات اجرایی طرح را خود به پیش ببرند، اما مشکلات پیش آمده برای آنان در افغانستان و به خصوص عراق و به تبع آن ناکامی در اجرایی کردن این سیاست، موجب تجدید نظر آنان در این امر شد.

آمریکا می تواند پس از شکل گیری کابینه ای ضعیف، حاکمیت سیاسی را به پذیرش ایجاد تغییرات در قانون اساسی و ساختار قدرت عراق، به نفع جریان تکفیری، وادارد و خواسته ها و وجود آنان را در عرصه عراق، نهادینه کرده و مشروعیت بخشد.

لذا آمریکایی ها به این جمع بندی رسیدند که آن ها خود نباید به صورت مستقیم درگیر اجرای این سیاست شوند و باید به فکر پیدا کردن عناصر نیابتی در منطقه، برای اجرایی کردن این پروژه باشند.

از آن جا که هیچ یک از کشورهای منطقه، پتانسیل و تفوق منطقه ای و هم چنین اراده لازم برای این امر را نداشت، آمریکایی ها به دنبال بازیگر یا بازیگرانی دیگر بودند تا به وسیله آن، سیاست خاورمیانه ای خود را محقق کنند.

بنابراین به کارگیری بازیگرانی غیر دولتی همچون گروه های دینی افراطی، می توانست ابزاری مناسب برای پر کردن این خلاء باشد. لذا آمریکایی ها پس از خروج از عراق، به صورت جدی به فکر سازماندهی و هدایت گروه های افراط گرای مذهبی در خاورمیانه افتادند.

اولین استفاده کلان و علنی از این گروه ها برای به پیش بردن پروژه خاورمیانه ای آمریکا، هدایت و سازماندهی آن ها برای حمله به یکی از کشورهای مقتدر و البته عضو محور مقاومت، یعنی سوریه بود. که با هدف تجزیه این کشور و یا حداقل تضعیف یکی از اعضای محور مقاومت صورت گرفت، که البته هدف دوم تا حد زیادی محقق شد.

تجربه حمله به سوریه به نیابت از آمریکا، توسط این گروه ها، به عنوان تجربه اول در استفاده از گروه های غیر دولتی جهت اجرای بسته سیاستی خاورمیانه، به مذاق آمریکایی ها خوش آمد و آن ها را به ادامه این سیاست جهت پیش بردن پروژه خود امیدوار کرد. بنابراین، به کارگیری این تجربه و آزمایش آن در سرزمینی دیگر یعنی عراق، که عضو محور مقاومت بود، برای آمریکایی ها جذاب می نمود.

به طور مشخص می توان گفت آمریکایی ها به وسیله داعش، به دنبال پیاده کردن اهداف خود طی چند مرحله پیاپی و مرتبط به هم در عراق، به عنوان یکی از حلقه های محور مقاومت و یکی از واحدهای اصلی سیاسی در خاورمیانه، هستند.

آن ها در درجه اول به دنبال آنند تا با بزرگ جلوه دادن خطر داعش و فشار بر دولت مالکی و به طور خاص شیعیان، زمینه تشکیل دولتی ضعیف و همراه با خود را فراهم آورند (دولتی خارج از فرآیند دموکراتیک و نظر مردم عراق که در انتخابات اخیر تجلی کرد). این امر می تواند از طریق تلاش برای تشکیل دولتی توافقی و با حضور هرچه بیشتر سنی ها در دولت باشد، تا یک دولت غیر منسجم و چند

تیکه به جای یک دولت یکپارچه با محوریت اکثریت شیعیان تشکیل شود.

بنابراین هدف اول آمریکا در بحران اخیر عراق، تشکیل یک دولت غیر منسجم، چندپاره و با حضور هرچه بیشتر اهل تسنن است. آمریکا از این طریق می خواهد تا اراده سیاسی لازم در دولت عراق را، که اکنون در دولت کنونی شاهد آنیم، برای مبارزه جدی با داعش از بین ببرد.

پس از شکل گیری یک دولت چندپاره و غیر منسجم در عراق، می توان اراده سیاسی دولت مرکزی عراق را به سمت پذیرش بخشی از خواسته های جریان تکفیری سوق داد. این امر، یعنی وادار کردن دولت مرکزی به پذیرش بخشی از خواسته های جریان تکفیری، در صورت حضور قابل توجه اهل سنت در کابینه و سنگین بودن وزنه آن ها، و هم چنین با توجه به وجود تمایل نسبی جریان اهل سنت برای دادن امتیاز به جریان تکفیری، چندان برای آمریکا مشکل نخواهد بود.

لذا آمریکا می تواند پس از شکل گیری چنین کابینه ای، حاکمیت سیاسی را به پذیرش ایجاد تغییرات در قانون اساسی و ساختار قدرت عراق، به نفع جریان تکفیری، وادارد و در واقع خواسته ها و وجود جریان تکفیری در عرصه عراق را نهادینه کرده و مشروعیت بخشد. پس از آن، این جریان می تواند در مناطق تحت تصرف حضور داشته و این حضور آنان از سوی دولت مرکزی به رسمیت شناخته شده و به یکی از بازیگران عرصه سیاسی عراق بدل شوند.

در صورت ایجاد چنین روندی، از یکسو دولت مرکزی عراق بیش از پیش تضعیف شده، چرا که علاوه بر کردستان، بر بخش از مناطق سنی نشین هم تسلطی نخواهد داشت، و از طرف دیگر، زمینه و ابزار لازم برای کنترل و فشار بیشتر بر دولت مرکزی عراق توسط آمریکا، جهت فاصله گرفتن از محور مقاومت و همراهی بیشتر با غرب در منطقه، فراهم می شود.

اما هدف و سناریوی خطرناک تری که فراتر از این مرحله، می تواند مدنظر آمریکا برای عراق باشد، کلید زدن تجزیه عراق است. نگارنده براین اعتقاد است در صورتی که تحقق مراحل قبلی که ذکر شد، نتواند اهداف آمریکا در عراق و خاورمیانه را تامین کند، آمریکا پس از طی مراحل ذکر شده در بالا، و پس از تثبیت حضور و وجود جریان تکفیری در عراق، مقدمات تجزیه عراق به سه واحد شیعه، سنی و کرد را کلید خواهد زد.

هدف اول آمریکا در بحران اخیر عراق، تشکیل یک دولت غیر منسجم، چندپاره و با حضور هرچه بیشتر اهل تسنن است. آمریکا از این طریق

می خواهد تا اراده سیاسی لازم در دولت عراق را، که اکنون در دولت کنونی شاهد آنیم، برای مبارزه جدی با داعش از بین ببرد.

نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد آن است که تجزیه عراق، تابع تحقق سه پیش درآمد تجزیه، یعنی شکل گیری دولتی ضعیف و چندپاره در عراق، تثبیت و رسمیت حضور تروریست ها در جغرافیای عراق و عدم مخالفت جدی قدرت های تاثیر گذار منطقه ای، به ویژه ایران و ترکیه می باشد.

به نظر می رسد اکنون هدف اصلی آمریکا در عراق، پس از تشکیل کابینه ای ضعیف و همراه با خود، تثبیت حضور تروریست ها و رسمیت بخشیدن به وجود آنان در جغرافیای سیاسی عراق است و آنها هنوز در مورد تجزیه عراق به جمع بندی و تصمیم نهایی نرسیده اند (هرچند که این تصمیم در میان بخش زیادی از سیاسیون آمریکایی حاصل شده است) و در حال سنجش و رصد تحولات داخلی عراق و به خصوص رفتار و واکنش قدرت های منطقه ای از جمله ایران هست

حضور 7 اکیپ بازسازی برق در منطقه چهاردانگه ساری

مرداد 5، 1393

اسماعیل امینی با بیان اینکه خرابی سیم های برق در این منطقه مشکلات جدی برای مردم منطقه ایجاد کرد و با کوچکترین بارش برف و باران برق این مناطق قطع می شد، اظهار داشت: این موضوع بارها توسط رسانه ها و مردم به اطلاع مسئولان استانی و شهری رسید.

بخشدار منطقه چهاردانگه ساری بیان داشت: موضوع قطعی برق منطقه چهاردانگه کیاسر به ویژه منطقه بالادست به صورت ویژه در جلسه عمومی که در فرمانداری ساری برگزار شد مورد پیگیری قرار گرفت.

این مسئول ادامه داد: در این جلسه مسئولان برق شهرستان ساری و معاون توزیع برق مازندران نسبت به رفع این مشکل قول مساعد دادند.

امینی تصریح کرد: روز بعد از جلسه ای که در مصلی برگزار شد مسئولان

توزیع برق جنوب شهرستان ساری با حضور هفت اکیپ نسبت به رفع معایب برق در این منطقه مشغول فعالیت هستند.

بخشدار منطقه چهاردانگه ساری بیان داشت: رئیس برق جنوب شهرستان ساری به همراه اکیپ بازسازی برق در این منطقه حضور دارد و قرار است مشکلات برق منطقه که با کوچکترین بارش برف و باران قطع میشد به کلی رفع شود.

به گزارش فارس، مشکل برق منطقه چهاردانگه ساری از زمان افتتاح این پروژه وجود داشت که با کوچکترین بارش برق و باران برق منطقه به کلی قطع و از شبکه خارج میشد و این موضوع بارها در سطح رسانه‌های مازندران مطرح شد

«ملا باسم کربلایی» برای مبارزه با "داعش" به عراق رفت

مرداد 5، 1393

✖ «ملا باسم کربلایی» اخیرا برای مدیحه سرایی در شب شهادت حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام به تهران سفر کرده بود.

اخبار رسیده از کشور عراق حاکی از آن است که «ملا باسم کربلایی» مداح سرشناس اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام به فتوا و توصیه مراجع عظام تقلید فوراً لیک گفته و برای مبارزه با گروهک تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» موسوم به "داعش"، راهی عراق شد.

گفتنی است، همان طور که در تصویر نیز مشاهده می شود، «ملا باسم کربلایی» علاوه بر اینکه یونیفرم نظامی عراق را بر تن کرده، در کنار نیروهای ارتش عراق سلاح حمل کرده است.

شایان ذکر است، «ملا باسم کربلایی» اخیراً برای مدیحه سرایی در شب شهادت حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام به تهران سفر کرده بود.

قابل ذکر است، «ملا باسم کربلایی» تا دورانی جوانی خود در ایران

اقامت داشت اما حدود 20 سال پیش به کشور کویت مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید.

باید جلوی خسارتهای وارده به مردم را بگیریم

مرداد 5, 1393

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای در بازدید از مناطق سیل‌زده مازندران در بهشهر در جمع خبرنگاران اظهار داشت: هنوز بازدیدهای ما از مناطق سیل زده مازندران به پایان نرسیده و بعد از ملاحظه صحبت‌های مسئولان و شنیدن صحبت‌های مردم، جمع‌بندی این بازدید را اعلام می‌کنیم.

وی با بیان اینکه حوادث طبیعی وجود دارد و سیل هم جاری می‌شود، ادامه داد: باید جلوی خسارتهای وارد شده به مردم را بگیریم.

دادستان کل کشور یادآور شد: هزینه‌ها باید کاهش یابد و مسئولان و مردم همکاری کنند تا کارهای پیشگیرانه از خسارت در حوادث طبیعی انجام شود.

محسنی‌اژه‌ای خاطرنشان کرد: علت سیل در مازندران در دست بررسی است

با حضور در بیمارستان بهمن احمدی‌نژاد از آیت الله مهدوی‌کنی عیادت کرد

مرداد 5, 1393